

مالیات اسلامی Islamic Tax ضریبة الاسلامیة

24 آبان 1393 , 14:8



پژوهشگره باقر العلوم
علیه السلام

کلمات کلیدی : مالیات، خمس، زکات، خراج، شبه مالیات، جزیه، توزیع، پس انداز، سرمایه گذاری

نویسنده : حسین کفشگر جلودار

واژه مالیات از کلمه مال گرفته شده و در معانی "اجر و پاداش، زکات مال، جریمه، خراج، باج و ..." به کار می‌رود. در اصطلاح علم اقتصاد، مالیات عبارتست از بخشی از درآمد، ثروت، فروش و یا بخشی از هر نوع پایه حقوقی دیگر که توسط دولت از اشخاص حقیقی و حقوقی اخذ می‌شود [1]. برخی نظریه پردازان اسلامی، مالیات اسلامی را اینگونه تعریف کرده‌اند: «مالیات اسلامی حقی معلوم است که قانون‌گذار اسلامی، بر دارایی افراد واجب کرده است». این حق به صورت نقدی و غیر نقدی بنا به شروط معین و با تکیه بر دستورالمعل‌های مالی دریافت می‌شود و هر فرد چه در حمایت دولت اسلامی و یا خارج از این محدوده باشد، مکلف به پرداخت حقی است که بر ذمه دارد [2].

از زمانی که دولت در زندگی بشر به وجود آمد، دولت مردان برای اداره تشکیلات خود، نیاز به اموالی داشتند، که یا از راه املاک خالصانه دولت این اموال را تأمین می‌کردند، یا از مردم و صاحبان املاک خصوصی خراج می‌گرفتند و یا از حاکمان محلی و تحت‌الحمایه خود باج دریافت می‌کردند [3]. اخذ مالیات در سراسر جهان امری متداول بوده است. از برخی از نقل‌های تاریخی برمی‌آید که در یونان

قدیم، دولت از راه دریافت حقوق گمرکی و عوارض اداره می‌شد. در ایران باستان نیز همانند امپراطوری روم مالیات‌هایی وضع شده بود [4]. در غرب، فیزیوکرات‌ها از نخستین کسانی بودند که به مالیات به‌عنوان موضوعی مستقل و مهم پرداختند [5]. در ادوار پیشین، رایج‌ترین مالیات‌ها، مالیات بر محصول اراضی و مالیات سرانه بوده است. مالیات سرانه در اروپا ابتدا در سال 1471 در انگلستان معمول شد. برای اولین بار در سال 1797 مالیات بر درآمد خالص در انگلستان به تصویب رسید [6].

اسلام در چهارده قرن قبل، انواع مختلف مالیات‌ها را تا آنجا که با ارزش‌های اصیل مورد نظر اسلام منافات نداشته باشد، مورد تأیید قرار داد. در نظام مالیاتی اسلام، مالیات بر اراضی، محصول اراضی، سرانه، پول راکد، چهارپایان معین، مستخرجات معادن، اضافه درآمد خالص و ... را وضع کرده است [7].

تفاوت مالیات‌های اسلامی با مالیات متعارف [8]

1. مالیات اسلامی مالیاتی عبادی است؛ اما مالیات متعارف به موجب قانون بوده و همانند مالیات اسلامی وظیفه دینی تلقی نمی‌شود؛ انسان اقتصادی با کردار دینی فرار مالیات اسلامی را نوعی گناه می‌داند؛ اما فرار مالیاتی در مالیات متعارف، فقط نوعی تخلف قانونی محسوب می‌شود.

2. مهم‌ترین هدف مالیات اسلامی با توجه به مصارف آن (خصوصاً زکات و خمس) به جهت رفاه، عدالت و رفع فقر است و بیشتر به‌دنبال فقرزدایی در جامعه و توازن در مصرف است؛ ولی مالیات اسلامی را نمی‌توان به‌عنوان ابزار سیاست تثبیتی و تخصیصی استفاده نمود.

3. درآمد مالیاتی زکات در تولیدات کشاورزی و دامی به‌صورت کالایی است (براساس مقدار کالا) و به‌شکل کالایی توزیع می‌شود؛ بر همین اساس مالیات اثری بر تقاضای کل و آثار منفی مانند تورم بر اقتصاد ندارد. در صورتی‌که مالیات متعارف در اجزای مختلف مانند مالیات در مصرف کالا (مالیات فروش، یا مالیات واحد) بار مالیاتی و زیان اجتماعی ایجاد می‌کند و بر سطح درآمد، هزینه بنگاه، انتخاب خانوار اثرگذار بوده و تورم و کاهش رفاه را به دنبال دارد.

4. در اقتصاد سنتی برای تسریع بهبود توزیع درآمد مالیات‌های تصاعدی پیشنهاد می‌شود در صورتی در عمل مشاهده شده نظام مالیاتی تصاعدی قانونی به ندرت منتج به نظام‌های تصاعدی موثر شده‌اند و

اغلب به خاطر تفاوت در برخورداری از امکان فرار در بین گروه‌های پرداخت‌کننده مالیاتی منجر به نابرابری‌های افقی اساسی شده‌اند؛ اما بررسی‌ها نشان می‌دهد اثر توزیعی مالیات‌های اسلامی نسبت به مالیات‌های متعارف بیشتر می‌باشد و مالیات‌های اسلامی علی‌رغم دارا بودن نرخ یکنواخت به‌واسطه معافیت‌های در نظر گرفته‌شده مالیات‌های تصاعدی با نرخ تصاعد ملایم می‌باشند.

5. در مالیات اسلامی لازم نیست که مالیات به دولت پرداخت شود بلکه شخص پرداخت‌کننده جایز

است که (با اجازه حاکم شرع یا مرجع تقلید) در مصارف یادشده خرج کند؛ اما در صورتی که حاکم اسلامی دستور دریافت زکات را صادر کند، بر همه مؤدیان واجب است که آن را به دولت پرداخت کنند؛ اما در مالیات‌های متعارف، جمع‌آوری مالیات و مصرف آن، جزء اختیارات دولت است.

انواع مالیات‌های اسلامی

مالیات‌ها در اسلام در یک تقسیم‌بندی کلی به مالیات‌های ثابت و مالیات‌های متغیر تقسیم می‌شوند:

مالیات‌های ثابت

مالیات‌هایی است که بر حسب تشریح اولی و مستقیماً از طرف شارع وضع شده‌اند و مورد و مقدار و یا نسبت خاصی برای آن‌ها در نظر گرفته شده است. این مالیات‌ها شامل موارد زیر است [9]:

زکات؛ در کلام عرب از ماده "ز ک و" گرفته شده و دو معنی برای آن ذکر شده است: رشد و نمو و طهارت (پاکی). زکات یکی از مهم‌ترین دستورات دین اسلام است که در بسیاری از موارد همراه با نماز ذکر شده است [10]. بر پایه آیات قرآن و احادیث، زکات، مالی است که به‌منظور پاکی و وارستگی انسان‌ها و تأمین مالی مستمندان وضع گردیده و سبب افزایش روزی و وفور اموال و امنیت اقتصادی در جامعه است [11]. زکات بر دو نوع است:

(1) زکات فطره؛ کسی که موقع غروب آفتاب شب عید فطر بالغ و عاقل و هوشیار است و فقیر و بنده کس دیگری نیست، باید برای خودش و کسانی که نان خور او هستند، هر نفری یک صاع گندم که تقریباً سه کیلو است، گندم، جو، کشمش، برنج یا ذرت و مانند اینها به مستحق به‌عنوان زکات بدهد [12].

2) زکات اموال؛ مقصود از زکات اموال، زکاتی است که سالانه به برخی از اموال تعلق می‌گیرد [13]. زکات در 9 چیز واجب گشته است، که عبارتند از: غلات اربعه (گندم، جو، خرما و کشمش) انعام ثلاثه (گاو، گوسفند و شتر) و نقدین (طلا و نقره) [14]. در قرآن [15] هشت مورد مصرف برای زکات ذکر شده است: فقرا و مساکین، عاملان زکات، ایجاد الفت، آزادی بردگان، بدهکاران، در راه خدا و در راه ماندگان [16].

خمس؛ در لغت به معنای یک پنجم و در اصطلاح شرعی، مالیاتی معادل یک پنجم است؛ که شریعت، آن را در مواردی تعیین کرده است. با ملاحظه خصوصیات چون لزوم پرداخت و نرخ ثابت و پرداخت سالانه، می‌توان خمس را از جمله مالیات‌های ثابت دانست که بخش مهمی از هزینه‌های حکومت اسلامی از طریق آن تأمین می‌شود [17]. وجوب اصل خمس، از ضروریات اسلام است و در قرآن در آیه 40 سوره انفال به آن تصریح شده است. خمس به هفت مورد تعلق می‌گیرد که عبارتند از: «منفعت کسب، معدن، گنج، مال حلال مخلوط به حرام، جواهری که به وسیله غواصی در دریا به دست می‌آید، غنیمت جنگی و زمینی که کافر ذمی از مسلمان بخرد». یک پنجم این موارد، متعلق به بیت‌المال است و باید صاحب مال، آن را از خود جدا کرده و به قصد قربت، تحویل بیت‌المال دهد [18]. خمس در قرآن به شش سهم و به شش مورد اختصاص داده شده است: سهمی برای خدا، سهمی برای رسول خدا (ص) و سهمی دیگر برای ذی‌القربی، که مقصود امام معصوم از اهل بیت پیامبر (ص) است و سه سهم برای یتیمان و مسکینان و در راه ماندگان اختصاص دارد [19].

جزیه؛ [20] مالیات سرانه‌ای است که از اهل کتاب ساکن سرزمین‌های اسلامی و از کفاری که در پناه و ذمه دولت اسلامی زندگی می‌کنند، اخذ می‌شود. دولت اسلامی در برابر حفظ جان و مال این‌گونه از شهروندان، از ایشان مالیاتی را تحت عنوان جزیه مطالبه می‌نماید. جزیه توسط آیه 29 سوره توبه وضع گردیده است. جزیه می‌تواند به صورت مالیات سرانه وضع شود و از هر نفر از اهل ذمه، سالانه مبلغی دریافت شود و نیز می‌تواند به صورت مالیات بر اراضی تحت تصرف آنان وضع گردد. در هر صورت مقدار جزیه بستگی به حاکم دولت اسلامی دارد.

خراج؛ [21] خراج از مهم‌ترین منابع دولت اسلامی در طول تاریخ بوده است؛ که با فتح زمین‌های غیر مسلمانان و الحاق آنها به سرزمین‌های اسلامی، ملکیت آنها دچار تغییر شد. این زمین‌ها چند قسم بودند:

1. اراضی طلوع؛ زمین‌هایی که اهالی آن با رغبت اسلام آوردند و زمین‌ها در دست خودشان باقی ماند.

2. اراضی مفتوح العنوة؛ زمین‌هایی که با پیروزی در جنگ به دست مسلمانان افتاد.

3. اراضی صلح؛ زمین‌هایی که ساکنان آن، بدون جنگ حاضر به صلح شدند.

4. انفال؛ زمین‌هایی که اهالی آن، بدون جنگ زمین‌های خود را رها کرده، به دست دولت اسلامی سپرده و یا اهالی آن منقرض شده‌اند.

این زمین‌ها به تملک دولت اسلامی درمی‌آید و دولت اسلامی با در اختیار نهادن زمین‌های مفتوح العنوة و صلحی و فیء (انفال) به افراد از آنها خراج می‌گرفتند. شواهد تاریخی حاکی از آن است که میزان خراجی که گرفته می‌شده، ثابت نبوده، بلکه با نوع محصول و حاصل‌خیزی زمین تناسب داشته است.

مالیات‌های متغیر

مالیات‌هایی هستند که حاکم اسلامی در موارد و شرایط خاصی وضع نموده و از طرف شارع مقدس، مقدار و نسبت خاصی برای آنها در شرع مقدس در نظر گرفته نشده است؛ بلکه تابع هزینه‌های ضروری و یا مطابق مصلحتی است که حاکم اسلامی در نظر دارد [22]. به عبارت دیگر مالیات متغیر، ابزاری است که در شرایط متحول، به حاکم اجازه می‌دهد تا با استفاده از آن، مشکلات برطرف گردد و در مواردی که هماهنگ و همسو با حرکت نظام اسلامی است، به کار گرفته شود [23]. این مالیات‌ها که تحت عنوان مالیات‌های حکومتی نام برده می‌شود، بسیار محدود بوده و سهم ناچیزی را دربر می‌گیرد. اخذ مالیات‌هایی تحت عنوان زکات مال‌التجاره در زمان پیامبر و برخی خلفا، وضع مالیات بر اسب‌ها در زمان حضرت علی علیه‌السلام و ... از جمله مالیات‌های حکومتی هستند [24].

شبه مالیات‌ها

در اسلام پرداخت‌های مالی دیگری نیز وجود دارد که جنبه مالیاتی ندارند؛ به این معنی که یا به‌طور معمول به‌وسیله دولت دریافت و هزینه نمی‌شوند و یا پرداخت‌هایی هستند که براساس الزام و قانون انجام نمی‌گیرد. بنابراین یکی از دو مشخصه اساسی که مالیات‌ها دارند در این‌گونه پرداخت‌ها وجود ندارد؛ ولی در عین حال از نظر عملکرد و نتیجه شباهت‌های فراوانی با مالیات دارند. البته برخی به‌صورت وجوبی و برخی به‌صورت مستحبی انجام می‌گیرد. پرداخت کفارات مالی، نذورات مالی و هدی، شبه‌مالیات‌های واجب هستند؛ اما صدقه، اطعام، بخشش، دین، وقف، هبه، هدیه و ... مستحب هستند [25].

انواع مالیات از نظر میزان و نرخ مالیات [26]

(1) مالیات مقطوع؛ مانند زکات فطره که هر شخص واجد شرایط باید بپردازد. همچنین بعضی از موارد جزیه و خراج، از مالیات‌های مقطوع محسوب می‌شوند.

(2) مالیات تناسبی؛ یعنی مالیات‌هایی که براساس نسبت معینی باید پرداخت شوند و کم یا زیاد شدن متعلق مالیات، در کاهش یا افزایش نرخ اثری ندارد. مانند خمس.

(3) مالیات تصاعدی؛ هیچ‌یک از مالیات‌های ثابت اسلامی به‌شکل تصاعدی وضع نشده است.

(4) مالیات تنازلی؛ [27] یعنی مالیات با درآمد رابطه عکس دارد. این قسم از مالیات فقط در زکات حیوانات در برخی نصاب‌ها متصور است.

انواع مالیات از جهت مبنای مالیاتی [28]

1. مالیات بر درآمد؛ مانند زکات گندم، جو، خرما و کشمش.

2. مالیات بر ثروت (دارایی)؛ مانند زکات طلا و نقره.

3. مالیات بر پس انداز؛ مانند خمس.

4. مالیات بر استفاده از منابع طبیعی؛ مانند خمس معادن و زکات شتر و گاو و گوسفند.

5. مالیات سرانه؛ مانند زکات فطره.

6. مالیات بر مصرف؛ در صورتی که فرد، کالایی را مصرف کند که خارج از نیازهای واقعی او

باشد، باید خمس آن کالا را بپردازد.

صفات و شرایط مالیات‌های اسلامی [29]

برای وضع مالیات‌های اسلامی، صفات و شرایطی تعیین شده است تا براساس آن، مالیات اخذ گردد؛ این شرایط عبارتند از:

الف) عدالت؛ مقصود، تناسب مالیات با توانایی پرداخت مالیات‌دهندگان است.

ب) معین بودن؛ مالیات‌ها به‌طور دقیق، واضح و معین و زمان پرداخت هر یک نیز معلوم است.

ج) سهولت در پرداخت؛ یعنی در مناسب‌ترین موقع و مساعدترین شرایط و با ایجاد حداقل نارضایتی و مزاحمت برای مؤدیان گرفته شود.

د) صرفه‌جویی؛ هزینه وصول مالیات حداقل است.

ه) نتیجه و کارکرد مالیات قابل ملاحظه است.

و) نداشتن آثار منفی اقتصادی؛ یعنی مانع تولید ثروت و فعالیت‌های اقتصادی نیست.

ز) دارای هدف اجتماعی است.

عوامل مؤثر در شکل‌گیری (وضع و تعلق) مالیات‌های اسلامی [30]

1. عدالت اجتماعی؛ تأمین عدالت اجتماعی و توازن، عامل اساسی در وضع مالیات‌ها بوده است. یکی از بزرگترین دغدغه‌های نظام اسلامی رخت بستن عدالت از ساحت اجتماعی و پیدایش اختلاف‌های طبقاتی است.

2. کنز؛ راکد گذاشتن دارایی و کنز پول، عاملی برای تعلق مالیات است. اسلام در نفی کنز اموال موضع قاطعی را اتخاذ نموده است.

3. انفال؛ استفاده از انفال و منابع طبیعی در تعلق مالیات مؤثر است؛ مانند استخراج مواد معدنی، غوص و گنج.

ویژگی‌ها و آثار مالیات در اسلام [31]

سیستم مالیاتی اسلام، دارای ویژگی‌هایی است که باید با تکیه بر آنها تفاوت آن را با مالیات در مکتب‌های دیگر روشن می‌کند. این ویژگی‌ها عبارتند از:

داوطلبانه؛ از نظر اسلام انفاق، عملی است که افراد به‌صورت داوطلبانه انجام می‌دهند و در طول تاریخ، مسلمانان، حتی انفاق‌های واجب، همانند زکات را با کمال اشتیاق می‌پرداخته‌اند. اسلام، با تربیت اخلاقی مردم به‌وسیله آیات و روایات و رفتار اولیا و بزرگان دین، نوعی خودجوشی ایجاد کرده است؛ که بیشترین اثر را در رفتارهای مسلمانان داشته و دارد. در تاریخ اسلام، در طی قرن‌ها با نبود حکومت اسلامی و اجرا نشدن قوانین اسلام به‌صورت رسمی نیز مردم مسلمان، تحت تأثیر اعتقاد خویش به وظایف اسلامی خود عمل می‌کرده و داوطلبانه به پرداخت مالیات خویش می‌پرداخته‌اند.

عبادی؛ مالیات‌ها در اسلام، بیشتر جنبه عبادی دارند. در این مکتب، اکثر مسائل اقتصادی با عبادت آمیخته شده است؛ به‌طوری‌که اگر بدون قصد قربت انجام گیرد، از عهده پرداخت‌کننده ساقط نمی‌شود.

اخلاقی؛ هر نظام اجتماعی برای تحقق بخشیدن به اهداف خود، مانند عمران و آبادانی، هزینه‌های کارمندان، بالا بردن فرهنگ عمومی و ... از مردم مالیات می‌گیرند؛ گرچه در اسلام همچون دیگر مکتب‌ها با گرفتن مالیات‌ها، همین اهداف را دنبال می‌کند، اما به بعد دیگری نیز نظر دارد و آن تعالی روح و تکامل اخلاقی پرداخت‌کننده است. اسلام می‌خواهد دلبستگی به دنیا را از انسان‌ها بزداید؛ به‌طوری‌که با پرداخت اموال خویش احساس فشار نکند؛ بلکه احساس کمال و آزاد شدن به آنان دست دهد.

مردمی؛ بخشی از انفاق‌ها در اسلام، توسط خود افراد، به موارد مصرف پرداخت می‌شود؛ مانند زکات فطره کفارات، نورات و صدقات مستحبی. در نتیجه آثار این پرداخت برای آنان ملموس می‌شود و نوعی ارتباط محبت‌آمیز میان افراد جامعه از فقیر و غنی برقرار می‌شود و ثروتمندان بهتر با مشکلات زندگی فقرا آشنا می‌شوند و در نتیجه بیشتر به فکر آنها هستند. در نظام‌های مالیاتی دیگر مکاتب، همه مالیات‌ها ابتدا به خزانه دولت واریز می‌شود و سپس به موارد مصرف انتقال می‌یابد و پرداخت‌کننده آثار کار خویش را به‌زودی نمی‌بیند.

وسعت دایره؛ اسلام برای انفاق‌ها دایره وسیعی قرار داده است. بخشی از آنها واجب و بخش وسیعی از انفاق‌ها مستحب است؛ تا همه نیازهای مادی، معنوی و روانی جامعه تأمین گردد. در اسلام، به انفاق‌های مستحب تاکید و سفارش فراوانی شده و در عمل، بازدهی آنها را بیش از انفاق‌های واجب برشمرده است. در سایر مکتب‌ها، به‌دلیل توجه نداشتن به جنبه اخلاقی، چنین چیزی وجود ندارد.

اعتماد و اندک بودن هزینه استیفا؛ در نظام اقتصادی اسلام با توجه به نفوذ عمیق جهان‌بینی الهی در جان مردم، هزینه وصول مالیات به حداقل ممکن می‌رسد؛ زیرا مردم با اعتقاد داوطلبانه اقدام به پرداخت وجوه شرعی می‌نمایند. برخلاف دیگر نظام‌های اقتصادی که برای وصول مالیات به دستگاه‌های مختلفی نیاز دارند که موجب صرف قسمت عمده‌ای از درآمدهای مالیاتی می‌شود.

عدم انتقال؛ یکی از مسائل قابل توجه در مالیات‌ها عدم انتقال آن است. انتقال مالیات عدالت اجتماعی را مخدوش می‌کند و پرداخت‌کننده اصلی مالیات مصرف‌کننده نهایی کالاها می‌شوند. با توجه به این‌که امکان انتقال مالیات به دیگران در مالیات‌های غیر مستقیم بیشتر است، مالیات‌های وضع شده به‌وسیله شارع مقدس در اسلام، همه از نوع مالیات‌های مستقیم هستند که امکان انتقال آنها نزدیک به صفر است. به‌علاوه با توجه به مبانی ایمانی و اعتقادی پرداخت‌کنندگان مالیات‌های اسلامی انگیزه انتقال آنها به دیگران نیز وجود نخواهد داشت.

توزیع مجدد ثروت و تعدیل آن به‌طور خودکار؛ از اهداف روش مالیات در اسلام، توزیع صحیح ثروت است. به‌جهت داوطلبانه بودن مالیات‌ها و گسترده بودن دایره انفاق و مردمی بودن آن و ...، بخش زیادی از توزیع مجدد به‌وسیله خود مردم و بدون وساطت دولت و بدون هزینه انجام می‌گیرد. اما در سایر نظام‌ها اولاً گرفتن مالیات توزیع مجدد ثروت فقط به‌وسیله دولت انجام می‌گیرد؛ ثانیاً مالیات غالباً برای رفع نیازهای دولت است و با تعدیل ثروت ثروتمندان و رفع فقر نیازمندان ارتباط چندانی ندارد.

هماهنگی بین کارآیی بهتر و عدالت اجتماعی؛ یکی از مشکلات مکاتب اقتصادی این است که در صورت گرفتن مالیات (به‌نحوی که هرکس درآمد بیشتری دارد، مالیات بیشتری گرفته شود)، کارآیی افراد را کاهش می‌دهد؛ زیرا آنان احساس می‌کنند که همه حاصل دسترنجشان در اختیار آنان نخواهد ماند. در اسلام با توجه به داوطلبانه بودن مالیات‌ها و گسترش دایره آن، این تضاد پدید نخواهد آمد؛ بنابراین، افراد به‌دلیل این‌که با تمایل خویش اقدام به پرداخت آن می‌کنند، احساس زیان و خسارت نخواهند کرد.

رشد و تثبیت اقتصادی؛ [32] مالیات‌های اسلامی اثر مثبتی بر رشد اقتصادی و توزیع درآمد دارند. این آثار را در موارد زیر می‌توان خلاصه کرد:

توزیع عادلانه درآمد؛ اسلام، رشد اقتصادی را همراه با توزیع عادلانه‌ی درآمد مد نظر قرار داده است، بنابراین درست است که با وضع مالیات‌ها به رشد اقتصادی کمک می‌کند، اما توزیع درآمد را فدای آن نمی‌کند.

عوامل تولید؛ مالیات‌های ثابت به افزایش عوامل می‌انجامند.

پس‌انداز؛ اثر منفی مالیات‌های اسلامی بر پس‌انداز، نیز کمتر از اثر مالیات‌های متعارف است.

سرمایه‌گذاری؛ سرمایه‌گذاری نیز به جهت پایین بودن نرخ سود اقتصادی، وجود مکانیزم‌هایی از قبیل مشارکت کاهش احتمال ضرر و پاره‌ای از معافیت‌ها تشویق می‌شود.

عرضه کار؛ عرضی کار به دلیل اثر مثبت مالیات‌ها بر بهره‌وری نیروی کار و افزایش ساعات کار رو به افزایش می‌گذارد.

مصرف؛ به واسطه نقش پرداخت‌های انتفالی بر مصرف، تقاضای کالاها و خدمات نیز افزایش می‌یابد، بنابراین، با افزایش عرضه و تقاضای کل، اقتصاد در نقطه‌ای بالاتر به تعادل می‌رسد.

منابع:

[1] فرهنگ، منوچهر؛ فرهنگ بزرگ علوم اقتصادی، تهران، البرز، 1371، چاپ اول، ج 1، ص 371.

[2] عزیزی، سعید؛ بررسی ارتباط بین مالیات اسلامی و مالیات جدید، مجموعه مقالات سومین همایش مالیات‌های اسلامی، قم، دانشگاه مفید، 1390، چاپ اول، ص 317.

[3] دفتر همکاری حوزه و دانشگاه؛ مبانی اقتصاد اسلامی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تهران، سمت، 1379، چاپ سوم، ص 352.

[4] پیرنیا، حسین؛ مالیه عمومی، تهران، امیرکبیر، 1355، ص 8.

[5] شارل، ژید و شارل، ریست؛ تاریخ عقاید اقتصادی، کریم سنجابی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، جلد اول، ص 60-62.

[6] پیرنیا، حسین؛ پیشین، ص 31-32.

[7] فرهنگ، منوچهر؛ پیشین، ص 371.

[8] پورفرج، علیرضا و انصاری سامای، حبیب؛ نقش مالیات اسلامی زکات در رشد و توسعه اقتصادی در مقایسه با مالیاتهای متعارف، مجموعه مقالات سومین همایش مالیاتهای اسلامی، قم، دانشگاه مفید، 1390، چاپ اول، ص 93-96.

[9] دفتر همکاری حوزه و دانشگاه؛ پیشین، ص 353.

[10] کیاالحسینی، سیدضیاءالدین؛ زکات در قرآن و برآورد تابع آن در ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، قم، دانشگاه مفید، 1377، ص 1.

[11] کرمی، محمدمهدی و پورمند، محمد؛ مبانی فقهی اقتصاد اسلامی، تهران، سمت، 1385، ص 157.

[12] مدرس، محمدباقر؛ نظام مالی در اسلام، قم، حق مبین، 1381، ص 212.

[13] دفتر همکاری حوزه و دانشگاه؛ پیشین، ص 356.

[14] غفاری، هادی؛ نظام اقتصادی صدر اسلام، تهران، دانشگاه پیام نور، 1386، ص 72.

[15] توبه / 60.

[16] لشکری، علیرضا؛ نظام مالیاتی اسلام، تهران، وزارت امور اقتصادی و دارایی، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، 1380، ص 70.

[17] غفاری، هادی؛ پیشین، ص 79.

[18] یوسفی، احمدعلی؛ نظام اقتصاد علوی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، 1386، ص 418.

[19] کرمی، محمدمهدی و پورمند، محمد؛ پیشین، ص 159-160.

- [20] غفاری، هادی؛ پیشین، ص 87.
- [21] رضایی، مجید؛ احیای نظام خراج در واگذاری مدیریت شرکت‌های دولتی به بخش خصوصی، مجله علمی-پژوهشی اقتصاد اسلامی، 1383، ش 15، ص 85 و غفاری، هادی؛ پیشین، ص 90.
- [22] دفتر همکاری حوزه و دانشگاه؛ پیشین، ص 383.
- [23] لشکری، علیرضا؛ پیشین، ص 227.
- [24] غفاری، هادی؛ پیشین، ص 124.
- [25] دفتر همکاری حوزه و دانشگاه؛ پیشین، ص 383.
- [26] فراهانی‌فرد، سعید؛ سیاست‌های اقتصادی در اسلام، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، 1381، ص 194 و غفاری، هادی؛ پیشین، ص 125.
- [27] مدرسی، سیدمحمد رضا؛ مقدمه‌ای بر نظام مالیاتی و بودجه، تهران، هجرت، 1367، ص 27.
- [28] فراهانی‌فرد، سعید؛ پیشین، ص 193.
- [29] پیرنیا، حسین؛ پیشین، ص 55-60.
- [30] لشکری، علیرضا؛ پیشین، ص 152-160.
- [31] دفتر همکاری حوزه و دانشگاه؛ پیشین، ص 390-395.
- [32] نظری، حسن و گیلک حکیم‌آبادی، محمدتقی؛ نگرشی علمی به هزینه و درآمد دولت اسلامی، تهران، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، 1382، ص 181.